

www.ketab.ir

هر روز معجزه می تازه ای  
اتفاق می افتد

نویسنده: زهرا مظاهری | دبیر مجموعه: بهزاد دانشگر

## هر روز معجزه‌ی تازه‌ای اتفاق می‌افتد

انتشارات: حماسه یاران

نویسنده: زهرا مظاهری ■ دبیر مجموعه: بهزاد دانشگر

ویراستار: مریم کتابی ■ طرح جلد: علی سلمان زاده

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۸۱۱۹-۱۴-۴ ■ شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۱۱۹-۱۹-۹

نوبت چاپ: یکم تابستان ۱۴۰۳ ■ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: زیتون ■ قیمت: ۱۳۵/۰۰۰ تومان

مدیریت هنری و آماده‌سازی: مؤسسه فرهنگی حماسه ۱۷

سرنشانه: مظاهری، زهرا، ۱۳۶۴- | عنوان و نام: هر روز معجزه تازه‌ای اتفاق می‌افتد / نویسنده زهرا مظاهری؛ دبیر مجموعه بهزاد دانشگر؛ ویراستار مریم کتابی. | مشخصات نشر: قم: حماسه یاران، ۱۴۰۳. | مشخصات ظاهری: ۲۰۷ ص: شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۱۱۹-۱۹-۹ | موضوع: داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۵ | موضوع: Short stories, Persian -- 21st century | موضوع: بارداری -- داستان | موضوع: Pregnancy -- Fiction | شناسه افزوده: دانشگر، بهزاد، ۱۳۵۵- | رده‌بندی کنگره: PIR۸۳۶۱ | رده‌بندی دیویی: ۸۴۳/۶۲ | شماره کتابشناسی ملی: ۹۷۰۶۹۴۱ | اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نشانی: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران،

طبقه همکف، پلاک ۲

۰۲۵۳۷۷۴۸۰۵۱ ■ ۰۹۱۰۱۵۵۹۰۱۰

www.hamasehyaran.ir



انتشارات حماسه یاران

## فهرست

- ۷..... به جای مقدمه
- ۱۱..... سخن نویسنده

### بخش اول

- ۱۹..... روایت اول: در مسیر خیابان مشتاق
- ۳۵..... روایت دوم: صورتی، آبی خالی
- ۴۹..... روایت سوم: بهار نارنج ها
- ۵۹..... روایت چهارم: کفش آهنی
- ۷۷..... روایت پنجم: صُبه
- ۹۱..... روایت ششم: یک آدم خوش شانس
- ۹۹..... روایت هفتم: سؤال های آزار دهنده

### بخش دوم

- ۱۰۹..... روایت هشتم: دختر یا پسر؟!
- ۱۲۵..... روایت نهم: یک هفته مادرانگی
- ۱۴۳..... روایت دهم: بهار تنها
- ۱۵۵..... روایت یازدهم: مامان چهارقلوها
- ۱۷۳..... روایت دوازدهم: عقلی که دیر رسید
- ۱۸۵..... روایت سیزدهم: چه جوری با فراقتم سرکنم من؟!
- ۱۹۷..... روایت چهاردهم: سوگل

## به جای مقدمه

اندیشیدن به آینده بدون توجه به امروز، امری است که راه به جایی نمی‌برد. اساساً اگر قرار است آینده روشنی داشته باشیم باید همین امروزمان را بسازیم و برای آن آینده درخشان برنامه داشته باشیم. بی‌خیالی و توجه نکردن به این امر، می‌تواند ما را دچار خسران و پشیمانی کند. بدون شک یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ساخت آینده، داشتن جمعیتی جوان، متخصص و پرتلاش است.

همه‌ی ما می‌دانیم که پیری جمعیت و کاهش فرزندآوری، یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های روزگار ماست؛ اما آنچه که شاید از آن غافل باشیم، نقش فرهنگ در ساخت تصویر مناسب از آینده است. روزگاری که دستگاه‌ها و سیستم‌های اداری و برنامه‌ریزی می‌خواستند مردم را به کاستن بارداری و فرزندآوری قانع کنند، مهم‌ترین حربه‌شان فرهنگ

و ابزار فرهنگی بود؛ اینکه به مردم نشان دادند برای داشتن یک زندگی خوشبخت، راحت و آسوده باید فرزند کمتری داشته باشند. آن‌ها تصویری که از خانواده شلوغ می‌دادند، تصویری آشفته و شلخته و نابسامان بود، و اگر قرار است این تصویر اصلاح شود، با وجود سایه سنگین مشکلات و چالش‌های اقتصادی، باز این فرهنگ و ابزارهای هنری است که با خلق تصویرهای جدید، بیشترین نقش را در تعیین نحوه و سبک زندگی مردم دارد. اگرچه امروز اقتصاد و مشکلات اقتصادی بر همه‌ی امور سایه انداخته، اما ما بر این باوریم که هنوز هم فرهنگ، بیشترین نقش را در تعیین نحوه و سبک زندگی مردم دارد.

این میان داستان و مستندهای روایی نقشی جدی و بی‌بدیل در به وجود آوردن اشتیاق، و تصویر خوشایند در مخاطب نسبت به فرزندآوری دارند و می‌توانند بسیاری از گره‌های ذهنی مخاطبان خود را باز کنند. مجموعه «روایت‌خانه» در راستای تعهدات اجتماعی که برای خود قائل است، بر آن شد تا به سهم خودش در این قضیه نقش‌آفرینی کند.

نویسندگان روایت‌خانه، مجموعه کتاب جوانان در همین راستا و با هدف تشویق و ترغیب مردم جامعه به فرزندآوری آغاز کردند که در اولین گام، دو کتاب «فکرشم نکن» و «پناه هم باش» را تولید کردند که به لطف خدا از استقبال خوب خوانندگان هم برخوردار شد.

اکنون و در گام دوم، دوازده کتاب دیگر را شروع کرده‌ایم که ترکیبی است از خرده‌روایت، داستان و زندگی‌نگاره مستند برای مخاطب‌های جوان و بزرگسال و برخی کتاب‌ها نوجوان.

این مجموعه روایت‌ها هرکدام به یکی از عوامل مؤثر در بحث فرزندآوری پرداخته است، که البته پرنرنگ‌ترین تصویر، پرداختن به نقش بی‌بدیل مادری است. برخی کتاب‌ها با روایت‌های خواندنی از مادران





فرهیخته‌ای که ضمن داشتن نقش اجتماعی مناسب با فضاهای زنانه و مادرانه، در فرزندآوری و داشتن خانواده‌ای شاد موفق بوده‌اند، مخاطب را با تصویری متفاوت از مادری کردن مواجه می‌کند و اشتیاقی شیرین را نسبت به تحمل سختی‌های چنین امری وامی‌دارد. برخی دیگر از این کتاب‌ها اختصاص دارند به پشیمانی و تلخی‌های مادرانی که در روزگاری قبل‌تر فرزندآوری را به تعویق انداختند و اکنون کلاً امکان باروری را از دست داده‌اند و از این بابت پشیمانی تلخی را تحمل می‌کنند. از دیگر موضوعات این کتاب‌ها، پشیمانی‌ها و تلخی‌های خانواده‌های تک‌فرزند است، و موضوعاتی مؤثر دیگر، مانند ازدواج‌های به‌هنگام.

امید است این کتاب‌ها با تلاش و همت نشر حماسه یاران که مجاهدانه و پرتلاش با در مسیر تشویق مردم به فرزندآوری نهاده و نقش آفرینی گروه‌های تبلیغی و گروه‌های فرهنگی، بتواند سهمی بسزادر امر تشویق مردم به جوانی جمعیت داشته‌باشد.

از خداوند طلب توفیق داریم

روایت‌خانه

## سخن نویسنده

فردا را دست کم نگیر؛ هر روز معجزه‌ای تازه‌ای رخ می‌دهد! احتمالا برای هرکسی موقعیت یا موقعیت‌هایی پیش می‌آید که منتظر معجزه باشد. گاهی اوقات تلاش با چاشنی مداومت و صبر کافی است تا معجزه‌ای که می‌خواهیم، در زمان و مکانش اتفاق بیفتد. گاهی هم خود زمان یا مکان معجزه می‌کنند؛ اما اصل معجزه، در نعمت حیات است؛ آفرینشی که به ما هدیه شده تا در خلالش تلاش کنیم، شاد شویم و حتی گاهی طعم اندوه و ناامیدی را بچشیم.

نعمت حیات یک نوزاد، به همان اندازه که معجزه‌ی هدیه شده به اوست، معجزه‌ای بزرگ برای پدر و مادر است. گاهی این معجزه لابه‌لای نظم معمول طبیعت به چشم نمی‌آید و پدر و مادری که به راحتی بچه‌دار شده‌اند، شاید عظمتش را به درستی در نمی‌یابند؛ اما جایی که نظم معمول طبیعت به بی‌نظمی می‌خورد یا شاید به یک نظم دیگر. تمنای

وقوع معجزه‌ی پدر و مادر شدن، در دل انسان‌هایی شعله‌ور می‌شود. آن وقت است که آدم می‌فهمد اگر یک کار در این دنیا باشد که همه‌ی همه‌اش دست خدا باشد، همین است؛ خلقت یک انسان. در مسیر تمنا برای این معجزه، خدا تلاش آدم‌ها را می‌بیند؛ حتی اگر بی‌فایده باشد.

در زمان کودکی من، از کل آدم‌هایی که در یک محیط کوچک می‌شناختم، تعداد انگشت‌شماری بی‌بچه بودند؛ اما در جامعه‌ی کنونی‌مان، متأسفانه ناباروری به قدری رایج شده است که تقریباً در هر خانواده یا فامیل، یکی دو موردش به راحتی پیدا می‌شود. معمولاً همه‌ی کسانی که درگیر مشکل ناباروری می‌شوند، تا قبل از آن زندگی مادری داشته‌اند و به ذهنشان نمی‌رسیده که چه طوفانی در انتظار روزمرگی‌هایشان باشد. وقتی خودم با این مشکل مواجه شدم، پذیرشش برایم سخت بود. و اوایل، حاد شدنش را به دلم راه نمی‌دادم، اما به جایی رسیدیم که تنها کاری که از دستم برمی‌آمد، نشستن به انتظار یک معجزه بود!

در کتاب پیش رو، قصه‌های واقعی از زبان زنانی که درگیر ناباروری بوده‌اند آمده است. قصه‌ی اول، تجربه‌ی شخصی من است. بخش اول روایت‌ها، قصه‌های ناباروری اولیه است. از زبان زنانی که زمان قصه‌هایشان همین سال‌هایی است که در آن به سر می‌بریم. آن‌ها، مدت‌ها بعد از شروع زندگی مشترکشان، مادری را تجربه نکرده‌اند. البته در بیشتر موارد، سال‌های ابتدایی زندگی مشترک تصمیم و عجله‌ای برای بچه‌دار شدن در کار نبوده است. این سال‌های طولانی در هریک از قصه‌ها، به دلایلی از دست رفته و صبر یا اهمال یا بهانه‌ها و شرایط مختلف، حسرت عمیقی را بر جان زنی گذاشته که برای مادر شدن حاضر به انجام کارهای سخت شده است.



در گذشته، موارد ناباروری از همان ابتدای ازدواج، خود را نشان می‌داده است و البته به دلیل نبود درمان‌های پیشرفته‌ی امروزی، از همان ابتدا هولناک به نظر می‌رسیده؛ اما در روایت‌های پیش رو، که همگی از زندگی‌های معاصر با زمان حال انتخاب شده‌اند، عوامل مختلفی سبب می‌شود که این مشکل در همان ابتدا بروز وحشتناک نداشته باشد؛ عواملی مثل تکرار مشکلات خفیف ناباروری در اطرافیان، که با اندکی درمان و گذشت زمان مرتفع می‌شود؛ یا اعتماد صددرصدی به پیشرفت علم در باور نسل امروزه که احتمالی را برای ناتوانی یا خطای این علم قدرتمند متصور نیستند؛ یا حتی دغدغه‌هایی که زوج‌ها در ابتدای زندگی، زمان و انرژی خود را روی آن متمرکز می‌کنند و بعدها، در مسیر سنگلاخی درمان ناباروری، تمام آن دغدغه‌ها را به چشمشان پیش پا افتاده و سطحی می‌آید. بخش دوم روایت‌ها، روایت زبانی است که نعمت مادری را قبلاً چشیده‌اند؛ اما به دلایل مختلف، از لذت این محروم مانده‌اند. شاید زمانی که خدا می‌خواسته، آن‌ها نخواسته‌اند، حالا که با اشتیاق آن را طلب می‌کنند، خدا برایشان نمی‌خواهد. گاهی همه شرایط زندگی، موقعیت نامناسب یا حتی سهل‌انگاری، آن‌ها را از رسیدن به آرزوی داشتن فرزندان بیشتر، باز داشته است. در نگاه آمار و ارقام، به این دسته از ناباروری‌ها، ناباروری ثانویه گفته می‌شود که طبق همین آمار و ارقام، در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی در جامعه‌ی ما داشته است. در این نوع قصه‌ها، به جز زن و مردی که در انتظار وقوع معجزه هستند، نفر سومی هم وجود دارد؛ فرزندی که در آرزوی معجزه‌ی خواهر یا برادر داشتن است و خوش حالی او هم بخشی از آرزوی پدر و مادرش شده است. زندگی این نفر سوم، بسته به تصمیم یا شرایط پدر و مادرش دستخوش تغییراتی می‌شود که شاید در تمام زندگی همراه او باشند.

برای نوشتن هریک از این روایت‌ها، به منابع میدانی زیادی سرک کشیدم! متأسفانه موارد زیادی از ناباروری در جامعه‌ی اطرافم قابل مشاهده است؛ اما یافتن قصه‌های جذاب و متفاوتی که هرکدام، نماینده‌ی موارد مشابه‌شان باشد کار را سخت می‌کرد. از میان موارد زیادی که در دوست و آشنا و فامیل می‌شناختم، مواردی که از لیست‌های خانه بهداشت معرفی می‌شد یا در مطب‌ها و کلینیک‌ها می‌یافتم، سعی کردم قصه‌های متنوعی را انتخاب کنم.

سخت‌تر از چالش یافتن قصه‌های متفاوت، صحبت با شخصیت‌های این نوع قصه‌هاست. این بخش از زندگی، معمولاً جزو رازهای خانواده و حرف‌های درگوشی زنان محسوب می‌شود. شاید نگاه جامعه به مسئله ناباروری هم، به سه‌مهر ماندن این مسئله دامن زده است. علی‌رغم پیشرفت علم و مهندسی در زمینه‌ی درمان ناباروری، هنوز هم مشکلات ناباروری و روس‌های درمانی آن مثل لقاح مصنوعی، قبح عجیبی در نگاه برخی از مردم دارد. البته که با عقل جور در نمی‌آید که بچه‌دار شدن را هنر خود بدانند و بچه‌دار نشدن را بی‌هنری دیگران! چه کاری بیشتر از خلق یک انسان می‌تواند فقط در گرو اراده‌ی خداوند باشد! درمان ناباروری هم مثل درمان هر بیماری دیگر، راه تلاشی است که علم پیش پای انسان گذاشته است. شاید همین نگاه جامعه، یکی از دلایلی باشد که بیشتر افرادی که شجاعانه قصه‌شان را بازگو کردند، تمایلی به فاش شدن جزئیات، اسم واقعی یا حتی نشانی از شهر محل سکونتشان، نداشته‌اند. بنابراین سعی شده در تمامی قصه‌ها تا حد امکان این موضوع لحاظ شود.

مسیر ناباروری و درمان آن، دنیای عجیب و خاصی است. تمام قصه‌ها دردهای مشترکی دارند، اما تجربه‌های منحصر به فردی را هم در خود جای

داده‌اند. هر قصه لااقل یک تجربه‌ی منحصر به فرد، به علاوه اطلاعات سطحی عمومی و پزشکی را دربردارد؛ چیزی که آدم‌ها در این مسیر بسیار به آن محتاجند. گاهی کلمات و عبارات ناآشنا و قلمبه سلمبه‌ای که از دهان پزشکان و کادر مطب‌ها و کلینیک‌ها درمی‌آید، تا مدت‌ها زنی را که در این مسیر بی‌تجربه و تازه‌کار است به هم می‌ریزد. از طرفی نظم و مدیریت برنامه‌های درمانی در درمان ناباروری بسیار مهم است و زوج‌ها با داشتن معلومات بیشتر، بهتر از پس آن برمی‌آیند. مهم‌تر از همه، حس هم‌دردی و همدلی است که روحیه و امید زوج‌های نابارور را در این مسیر تقویت می‌کند. بیان مشکلات و چالش‌های پیش روی زنانی که در این مسیر هستند، راه‌کارها و تجربه‌هایی که وجود دارد، همگی رسالت این روایت‌هاست.

زهرا مظاهری

زمستان ۱۴۰۲

www.ketab.ir